



جایزه‌ای به نام سالکی نامور در راه تفکر

در کشور ما چند سالی است که مطابق با شیوه‌ها و آداب مرسوم در مراکز علمی و پژوهشی و دانشگاه‌های جهان امروز باب آن گشوده آمده که جایزه‌ای را به نام یکی از بزرگان و سرآمدان در هر رشته از دانش‌ها و علوم اختصاص می‌دهند تا آن را به پژوهشگران جوان و شایسته‌ی رشته‌های مربوطه در دوره‌های زمانی معین مثلاً هر یک سال اهدا کنند این آداب محمود و شیوه‌ی پسندیده را صلاح و فایده‌ای دوسویه و دوجانبه مطمح نظر است. از سوئی گرامی‌دانشت و بزرگدانشتی محسوب می‌شود از عالم و دانشمند و پژوهشگری نامور زنده یا احیاناً فقید - که بحق گفته‌اند تجلیل از مقام عالم تجلیل از مقام علم است و چه مایه در روزگار ما که گویی همه چیز به کالا و مصرف آن بدل گشته تذکر به مقام منبع و رفیع عالمان و نگاه‌دانشت ایشان لازم‌تر می‌نماید - و از سوی دیگر تشویق پژوهشگران و محققان جوان و مستعد است تا دشواری‌ها و زحمات پژوهشی اصیل را بر خود هموار سازند و می‌دانیم که بویژه امروزه علم و دانش جز با تحقیقات و پژوهش‌های جدید و نو حیات و سرزندگی و نشاط و رونق نمی‌یابد و دیگر صرف فضل و دانشوری کارساز و رهگشا نتواند بود .

مایه بسی خوشوقتی است که یکی از این جوایز مختص به رشته فلسفه به نام استاد فرهیخته دانشگاه تهران متفکر درد آشنای زمان ما استاد دکتر رضا داوری‌اردکانی رقم خورده است و امسال سومین سالی است که این جایزه ، امروز طی مراسمی در مرکز فرهنگی شهر کتاب تهران به یکی از پایان‌نامه‌های تحصیلی دکتری اختصاص می‌یابد. مطابق منوال و روال متعارف از گروه‌های آموزشی فلسفه در سراسر کشور درخواست می‌شود تا نسخه ای از رساله‌های دفاع شده دکتری را که نظر به موضوع و مضمون پژوهشی بدیع را با رعایت میزان‌های شناخته شده مطلوب از حیث شکل و ساختار و مضمون واجدند به دبیرخانه ارسال کنند تا از آن میان هیات داوران که خود جمعی از استادان فلسفه‌اند یکی را برگزینند و به دانشجوی پژوهشگر آن رساله جایزه را با حضور استاد داوری اردکانی و جمع حاضر در مراسم اهدا نمایند و به این ترتیب البته از مساعی اساتید راهنما و مشاور نیز در عین حال تقدیر به عمل آید.

اما سخن گفتن از مرتبه و شأن فرهنگی و علمی استاد ارجمند دکتر رضا داوری اردکانی برای نگارنده

این یادداشت که خود از شمار شاگردان پر شمار معظم له و مباحی به آن است سهل و ممتنع هر دوست، دشوار و ممتنع از آن حیث که خود را اولی و حتی شایسته این مقام نمی‌دانند و سهل از آن روی که همگان با تالیفات و آثار قلمی آن بزرگوار در طول سالهای دراز از پیش از انقلاب اسلامی تا به امروز آشنایی و نسبت به تأثیر و اهمیت و اصالت و حقیقت پرسش‌ها و دغدغه‌های فکری و علمی ایشان وقوف دارند و به هر حال از سر ارادت و از روی اجابت درخواست برخی دوستان به گفتاری مختصر و اشاراتی مجمل اکتفا می‌کنم.

جناب استاد یک بار سال‌ها پیش فرمودند که اگر بنا بود زندگی را بار دیگر از نو از سر بگیرم باز معلمی فلسفه را پیشه خویش می‌ساختم. با مجاهدت و کوشندگی مثال‌زدنی و ستودنی بر آن‌اند تا پنداشت‌های بعضاً رایج و پر نفوذی را مرتفع سازند که یا پرسش اصیلی را طرح نمی‌کنند و یا با پاسخ‌های متداول و مشهور به پرسش‌های اصیل مانع و رادع پرسندگی اهل فضل و نظر می‌شوند.

از خصائل کم‌نظیر استاد آن است که باحوصله و صبر و شکیبایی با نظر مخالف مواجه می‌شوند و از جدال و مری می‌پرهیزند و ضمن آنکه از تذکرات مفید و نکته‌سنجانه در اموری که سخت مبالغی به آن‌اند مضایقه نمی‌کنند اما قادرند هر وقت که بخواهند دامن سخن برچینند و سکوت اختیار کنند و سکوت حکیم همچون سخن و کلام او البته نکته‌آمیز است می‌فرمایند: «من بیشتر سعی می‌کنم که خود چیزی دریابم نه اینکه درسی به دیگران بیاموزم». خواندن و شنیدن به تعبیر استاد خودگویی‌های ایشان به حق نشانه‌ی جدیت در تفکر و در راه بودن است و این سخن را هرگز نباید از باب خدای‌ناکرده استخفاف و کم‌منزلیتی استاد تلقی کرد چراکه به تعبیر دقیق و عالی‌هیدگر تفکر جز «در راه بودن» نیست.